

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تقی روزبه
۱۴ جون ۲۰۱۸

در آستانه دیدار ترمپ و اون، دیدار تاریخی یا ضدتاریخی؟



همه هیجان زده اند و در رأس آن خودترمپ توثیت کرده است که لحظه های هیجانی را سپری می کند. شاید فکر می کند با خلع سلاح هسته ئی کامل و بدون بازگشت کوریای شمالی می تواند نام خویش را در تاریخ ماندگار کند! اما واقعیت آن است که مذاکرات بستری با رؤیاهای متفاوت است. برای ترمپ خلع سلاح جاده یک طرفه است، اما در آن سو کوریای شمالی دم از خلع سلاح کامل شبه جزیره کوریا می زند که به معنای عدم حضور هسته ئی امریکا در کوریا و بستن

پایگاه های نظامی و گشت های دریائی و مانورهای نظامی مداوم امریکا هم است، که در ازای آن باید تحریم های اقتصادی گسترده کنونی لغو و امنیت آن تضمین شود.

طبیعی است که «تضمین» به خصوص در دوره ترمپ مفهومی گنگ است و فاقد معنای واقعی. اگر مثلاً در دوره اوباما «تضمین» تا پایان دوره ریاست جمهوری وی معنایی داشت و دولت بعدی چنان که اتفاق افتاد ممکن بود- برجام- را بی اعتبار اعلام کند، اما در دولت ترمپ ممکن است کار به آن جا هم نکشد بلکه هر لحظه توسط خود وی نقض شود! بنابراین انداختن زنگوله به گردن کوریای شمالی با این نوع تضمین های روی کاغذ، دشواری بزرگ ترمپ است. او باید تضمین کند، اما چگونه؟! گرچه هر دوطرف مذاکره تمامی سعی خود را به کار گرفته اند که قبل از مذاکرات مثبت خود را باز نکنند و حرف نهائی را در پیش از مذاکره و چانه زنی های خود نگویند، و این بردشواری پیش بینی نتیجه این مذاکرات می افزاید. اما در مجموع از نظر کوریای شمالی به احتمال زیاد شروع خلع سلاح همزمان شبه جزیره و روند تدریجی و گام به گام و نه ضربتی از یکسو و شروع رفع فشارهای اقتصادی تنها شروط تضمین کننده است ...

از سوی دیگر مذاکرات در شرایطی صورت می گیرد که موقعیت بین المللی ترمپ چنگی به دل نمی زند. او در شرایطی به این دیدار «تاریخی» می رود که خروج یک جانبه و مسأله برانگیز امریکا از برجام و نیز شکاف بزرگ در میان هفت قدرت بزرگ و منزوی ماندن امریکا به طور اجتناب ناپذیر، به جای ارسال سیگنال های حاکی از اقتدار، زینگنال هائی با نشان های ضعف به طرف مقابل رله می کند. و این در حالی است که پیونگ یانگ با مذاکراتی که

پیشاپیش با دو قدرت چین و روسیه صورت داده است، با آمادگی بیشتری به این دیدار آمده است. نباید فراموش کرد که یکی از دلایل اصلی ابراز تمایل به عقب نشینی و مانورهای اوان، فشارهای چین برای مذاکره و حل و فصل بحران هسته‌ئی بوده است. در همین جا به یک نکته دیگر هم باید در آسیب پذیر بودن این دیدار اشاره کرد: ترمپ قبلاً این دیدار را لغو کرده بود اما پس از مدتی کوتاه به دلیل خشم و فشار سنگین به ویژه از سوی متحد خود، سران کوریای جنوبی و افکار عمومی آن که همواره خواهان حل و فصل این بحران خطرناک و خالی شدن منطقه از سلاح های هسته‌ئی بوده است ناگزیر شد که سریعاً دوباره انعطاف نشان بدهد. غرض آن که چرخش های ترمپ بسیار زیاد و غیر قابل پیش بینی است که خود در مغایرت با «تضمین» که کلیدواژه این مذاکرات است قرار دارد.

علاوه بر آن اوان رهبری است یکه تاز و بلامنازع و می داند که کلید رمزتن دادن حریف به این مذاکرات و نیز اگر بنا باشد امتیاز دندن گیری گرفته شد، در زراد خانه هسته‌ئی او نهفته است. از همین رو او در اوج اقتدار هسته‌ئی اش خواهان حل مسأله تحریم ها و رفع محاصره، آن هم به شیوه ای کاملاً از بالاست که هیچ گونه ربطی به گشایش جامعه و حقوق بشر و دموکراسی و بازار آزاد و این گونه تعارفات داشته باشد و به همین دلیل هم راه نفوذ و رخنه برای طرف مقابل را که بخواهد به یک روند به اصطلاح مثبت و خزنده ای در این عرصه ها امیدوار باشد می بندد (ضمناً به خاطر داشته باشیم ایرادی را که ترمپ به او باما در مورد مذاکره هسته‌ئی با ایران وارد کرده و می کند که چرا صرفاً روی مسائل هسته‌ئی متمرکز شد، اما خود وی همان را با ابعاد به مراتب بیشتری در مورد کوریای شمالی به پیش می برد!).

با توجه به توضیحات فوق معلوم می شود که این مذاکرات «تاریخی» اساساً با بن بست ها و تنگناهای واقعی مواجه است، که پیروزی آن چنانی که ترمپ ادعا می کند، خلع سلاح کامل و بدون بازگشت و قابل آزمون، در ازای وعده های گشایش اقتصادی، که البته خود می تواند در عمل به هزاران اما و اگر مشروط شود، ابداً برای طرف مقابل تضمین کننده نیست. مگر آن که طرف مقابل چنان در وضعیت استیصال و شکننده ای قرار گرفته بشد که بخواهد به چنین وعده و وعیدهایی دل ببندد که معنایی جز بستن پیمان یک فاتح با طرف شکست خورده نیست. بدیهی است که اکنون چنین شرایطی در مورد کوریای شمالی دیده نمی شود و به عکس او چه بسا خود را به درجاتی موفق و پیروز هم بدانند. البته آن گونه تضمین مورد درخواست کوریای شمالی هم بعید است که مورد قبول ترمپ که از خلع سلاح هسته‌ئی کامل دم می زند قرار گیرد. آن چه که در این میان می ماند، یافتن حلقات و فرمول های میانه است که به اصطلاح نه سیخ بسوزد و نه کباب و بردبرد باشد. که خود بیانگر این است که این معضل به شکل ضربتی قابل حل نخواهد بود.

در خوش بینانه ترین شق یا سقف این مذاکرات و توافق حاصل از آن از منظر کوریای شمالی خلع سلاح هسته‌ئی گام به گام شبه جزیره کوریا همراه با تضمین های لازم و گشایش های اقتصادی است و کف آن نیز آن است که اگر مذاکرات به شکست بینجامد مقصر اصلی آن طرف مقابل باشد. به یک عبارت می توان گفت شاید پیروز واقعی این مذاکرات «تاریخی» کسی است که بتواند نشان دهد که طرف مقابل مقصر عدم موفقیت است. کوریای شمالی به خصوص این نتیجه گیری برایش اهمیت بسیاری برای کاستن از فشارهای جهانی و حتی متحدین خود چین و روسیه و... دارد. و اما برای کسی چون ترمپ به دلیل حداکثر خواهی و انتظاراتی که برانگیخته است انجام چنین کاری به مراتب دشوارتر است.

با این همه اگر این مذاکرات شکست بخورد از هر جهت برای جامعه جهانی پیام بدی نسبت به ناتوانی دیپلماسی در حل بحران های انباشته در آن است. با شکست دیپلماسی، معمولاً فرصت مناسب تری برای میدان داری و عرض اندام تهدیدهای نظامی و به کارگیری مشت آهنین فراهم می شود. به همین دلیل بهترین حالت حرکت گام به گام به سوی خلع

سلاح و توافق به ادامه مذاکرات و کاستن از دامنه تحریم های اقتصادی است... یعنی یک معامله به اصطلاح برد برد. تصور حل ضربتی این معضل و موارد مشابه آن که ترمپ نماینده آن است هم نشدنی است و هم خطرناک. باید راهی به جلو گشوده شود و باید به رویکردهائی که راه را برای میدان دارشدن روز و وسایل انهدام بشر و طبیعت می گشاید «نه» گفت!